

## مصر

از هرم فرعونى تا حرم اسلامى (۲)

ع.ر. اميردهى

### چکیده:

مطالعه سرزمین تاریخی و متمدن مصر با سرگذشت فراوان و فراز و نشیب‌های گوناگون آن از زمان هرم فرعونى تا جایگاه بلند حرم اسلامى و پایگاه دین و تمدن اسلامى، خوانندنى و قابل توجه است. در قسمت پیشین مقاله، برخی از مسایل مربوط به مصر را مرور نمودیم و در این مقاله عنوان زیر را به طور مختصر بررسی می‌نماییم:

موقعیت ژئوپولیتیک مصر، احزاب سیاسى، گروه‌ها و تشکل‌های اسلامى در مصر، مصر و سازمان‌های بین‌المللى از قبیل: سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامى و جنبش عدم تعهد، روابط سیاسى و فرهنگى مصر با جمهورى اسلامى ایران، تاریخچه زمینه‌های تشیع در مصر، تقریب مذاهب اسلامى در مصر و بالاخره معرفى برخی از مراکز اسلامى، فرهنگى و آموزشى مصر.

کلیدواژه‌ها: مصر، موقعیت ژئوپولیتیک، احزاب سیاسى، سازمان‌های بین‌المللى، زمینه‌های تشیع در مصر، تقریب مذاهب اسلامى، مراکز فرهنگى و آموزشى.

### ۱- موقعیت ژئوپولیتیک مصر

مصر در تقاطع سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار گرفته است و سواحل این کشور در دریای مدیترانه در شمال و دریای سرخ در شرق و به خصوص کانال سوئز در مرتبط کردن این دو دریا با هم، به آن اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد. این دریاها در حقیقت نقطه آغازین روابط بین‌المللى بوده‌اند. به این ترتیب کشور مصر در طول زمان به عنوان پلی برای انتقال تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به نقاط دور دست عمل کرده است و توجه به حقایق تاریخی، جغرافیایی است که دیپلماسى مصر را شکل می‌دهد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل رژیم اشغالگر قدس در کنار مرزهای مصر، موقعیت ژئوپولتیکی این کشور ابعاد تازه‌تری به خود گرفت. به جرئت می‌توان گفت همسایگی با فلسطین اشغالی و مسایل مربوط به آن، در دهه‌های اخیر، مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی و منطقه‌ای مصر را تشکیل داده است. در میان کشورهای عربی هم‌مرز با فلسطین اشغالی تنها مصر و سوریه توانایی نسبی مقابله با این رژیم را داشته‌اند، ضمن این که بیشترین لطامات و خسارات را نیز از ناحیه این رژیم اشغالگر متحمل شده‌اند.

در شرایط فعلی هر چند که مصر با انعقاد قرارداد صلح با رژیم اشغالگر قدس سرزمین‌های خود را و لو با حاکمیت ناقص پس گرفته است، اما برای به دست آوردن امنیت کافی و تام ناچار است در تحولات خاورمیانه نقش مهمی ایفا کند. دیپلماسی فعال مصر و نقش تقریباً مرکزی آن در هماهنگی مواضع طرف‌های عربی شرکت کننده در مذاکرات صلح با رژیم اشغالگر قدس را باید در همین چارچوب تحلیل کرد. از آن‌جا که مصر همواره از توسعه‌طلبی اسرائیل نگران است و این نگرانی با کشف گروه‌های متعدد جاسوسی اسرائیل در این کشور و اقدامات خصمانه رژیم اشغالگر فلسطین علیه مصر در طول زمان، محسوس‌تر می‌گردد، از این رو امنیت سایر کشورهای عربی هم‌مرز با فلسطین اشغالی نیز در حقیقت بخشی از امنیت مصر محسوب می‌شود. (تکیه‌ای، ۱۳۸۴، ص ۸۹-۹۰).

از همین رو مصر در تلاش است با کشورهای عربی روابط دیپلماتیک، اقتصادی و سیاسی خوبی برقرار کند و بتواند در میان کشورهای عربی و اسلامی نقش‌آفرین باشد. از سال ۱۹۹۰ م. به طور کلی روابط خارجی مصر با کلیه کشورهای عربی گسترش یافت و پس از انزوای این کشور در پی امضای قرارداد کمپ دیوید و اخراج مصر از سازمان کنفرانس اسلامی، این کشور به دنبال تجدید عضویت در این سازمان برآمده است و در همین راستا، رئیس‌جمهور این کشور در پنجمین اجلاس سران سازمان در کویت شرکت نمود و به دنبال آن روابط مصر با کشورهای اسلامی گسترش یافت و در پی این تحولات نوزدهمین اجلاس وزرای خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در ۳۱ ژانویه سال ۱۹۹۰ در مصر برگزار گردید و این روابط در طول تقریباً دو دهه گذشته استمرار و بهبود یافته است.

## ۲. احزاب سیاسی

فعالیت گروه‌های سیاسی و نیروهای مخالف حکومت در کشورهای مختلف به صورت «حزب سیاسی» از پدیده‌هایی است که در قرن اخیر رشد فزاینده‌ای یافته است. اما در عین حال، برخی از کشورها، به احزاب و گروه‌های سیاسی، اجازه فعالیت نمی‌دهند و برخی نیز به خاطر اعلام حمایت از دموکراسی، به صورت محدود به گروه‌های مخالف اجازه فعالیت می‌دهند. مصر از جمله کشورهایی

است که با ایجاد محدودیت شدید برای فعالیت احزاب شهرت یافته و در چند دهه اخیر دوره‌هایی از تک‌حزبی و چند حزبی را تجربه کرده است.<sup>۱</sup>

اولین دوره تجربه حزبی مصر را می‌توان از زمان کسب استقلال این کشور در سال ۱۹۲۲ م. دانست. در این دوره به دلیل تسلط و نفوذ انگلیس در مصر تفکر حزبی برای مردم قابل اعتماد نبود. در دوره حکومت جمال عبدالناصر نیز به دلیل حاکمیت تفکر واحد، احزاب مصر از فعالیت و تحرک چندانی برخوردار نبودند. انور سادات پس از کسب قدرت، در سال ۱۹۷۴ با شیوه چند حزبی مخالفت کرد، اما دو سال بعد تصمیم خود را تغییر داد و در چارچوب مشخصی اجازه فعالیت حزبی را صادر نمود. بر اساس این، در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۷ قانون احزاب در مصر از تصویب نهایی گذشت و از آن پس تشکیل هرگونه حزب جدید مشروط به اخذ موافقت از کمیته مخصوص احزاب گردید که اعضای آن از افراد دولت هستند.

### ۳. گروه‌ها و تشکل‌های اسلامی در مصر

علاوه بر احزاب سیاسی، گروه‌های اسلام‌گرا و تشکل‌هایی مذهبی نیز در مصر به فعالیت مشغول‌اند. آنها با هدف کلی «اسلامی» با یک‌دیگر اشتراک دارند ولی بسیاری از مواضع، دیدگاه‌ها و عملکردشان با یک‌دیگر متفاوت است. برخی از آنان اعتقاد به مبارزات مسلحانه داشته‌اند که در حال حاضر از این تفکر دست برداشته و به مبارزات سیاسی با نشر افکار اسلامی می‌پردازند. مهم‌ترین گروه‌ها و تشکل‌های اسلامی در مصر عبارت‌اند از: اخوان المسلمین، الجهاد الاسلامی، جماعة التکفیر و الجهره، حزب الله، فرماویه، حزب التحرير، ائمة الفقه، جماعة الازهرام، جماعة الفتح، جماعة الحق، جماعة الحریکة، جماعة الخلیفة، جماعة المسلمین، جماعة التکفیر، جند الرحمن، جند الله، قف و تبین، سماویة، مکفریة، قطیبین، عصبه الهاشمی، جماعة التبلیغ، جمعیه الشرعیة، منظمة التحرير الاسلامی، جماعة المسلمین التکفیر و الجهره، جماعة الناجین من النار، کانون وکلاء اسلامی، منظمة الجهاد و... (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۹۰).

این گروه‌ها اهداف چندی را (به صورت مشترک یا غیرمشترک) تعقیب می‌کنند. برخی از این اهداف را می‌توان چنین برشمرد:

- فعالیت سیاسی - دینی جهت دست‌یابی به حکومت اسلامی و پیاده کردن تمامی احکام دینی در جامعه؛

۱- برخی معتقدند برای بررسی سیر تحول احزاب سیاسی در مصر، باید پنج دوره را از هم تفکیک کرد. این پنج دوره به ترتیب عبارت‌اند از: «دوره پادشاهی تحت استعمار و اشغال بریتانیا، دوره پادشاهی مستقل، دوره ریاست جمهوری ناصر، دوره ریاست جمهوری سادات و دوره ریاست جمهوری حسنی مبارک». (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹).

- تبلیغ اسلام و تبعیت از قرآن کریم، رسول خدا ﷺ، خلفا و عالمان دینی مورد اطمینان؛
- طرد سخنان عالمان درباری و وابسته به حکومت؛
- تشویق مردم به علم‌آموزی و بازداشتن آنان از انجام منکرات؛
- فعالیت گسترده جهت براندازی نظام مستبد حاکم و جای‌گزینی حکومتی صالح؛
- کوتاه کردن دست استعمارگران و قدرت‌های استکباری؛
- رواج تفکر صوفیانه برای رهایی از چنگ خباثت‌های سیاسی، اجتماعی و نفسانی؛
- حمایت از جریان و مذهب حق در برابر مذاهب گوناگون موجود؛
- گسترش توحید (با قرائت ویژه) و طرد عقاید شرک آلود؛
- ترویج مسایل فرهنگی - دینی در نقاط محروم؛
- احیای موضوع «جهاد» و «دعوت اسلامی»؛

و...

هم‌زمان با تشکیل و رشد سریع احزابی هم‌چون «الوفد»، نگرانی سادات افزایش یافت و به همین خاطر اقدام به تشکیل حزب جدیدی به نام «حزب دمکراتیک ملی» (حزب حاکم) نمود. موضوع صلح با اسرائیل نیز تأثیر فراوانی بر روند فعالیت‌های حزبی در مصر داشت و انتقاد برخی احزاب از جمله حزب کار، نسبت به توافق‌های صلح موجب برخورد قاطع و خشن دستگاه حکومت سادات با احزاب در سال ۱۹۸۱ م. گردید؛ به طوری که ظرف چند روز حدود ۱۵۰۰ تن از مخالفان سیاسی سادات به زندان افتادند. از این تاریخ، فعالیت‌های حزبی در مصر فقط در چارچوبی که توسط سادات ترسیم و اجرا می‌شد، قرار داشت و این وضعیت تا کشته شدن سادات ادامه یافت.

سومین دورهٔ حیات حزبی در مصر در دوران حسنی مبارک آغاز گردید که تاکنون ادامه دارد. در حال حاضر در کنار حزب حاکم ملی، چند حزب مخالف هم وجود دارند که البته نقش سیاسی چندانی ندارند؛ گرچه حسنی مبارک پس از کسب قدرت سعی نموده مشارکت ظاهری کلیه احزاب سیاسی قانونی را در فعالیت‌های پارلمانی حفظ کند و کاندیداهای این احزاب به صورت محدود و از طریق انتخاب یا انتصاب از سوی ریاست جمهوری به پارلمان راه یافته‌اند.

در حال حاضر بیش از ۱۳ حزب سیاسی در مصر فعالیت می‌کنند. نقش اساسی در مسایل سیاسی مصر را چهار نیروی مهم ایفا می‌کنند که عبارت‌اند از:

- ۱- حزب دمکراتیک ملی (حزب حاکم دولت)؛
- ۲- نیروی اسلامی با‌گرایش‌های دینی - مذهبی و مخالف دولت؛
- ۳- حزب وفد با تئوری لیبرالیسم و میانه‌رو؛

۴- نیروهای ملی (مانند حزب تجمّع، حزب ناصری، حزب دمکراتیک مردمی و مصر الفتاه) و دیگر احزاب سیاسی مصر شامل حزب دمکراتیک عربی، حزب الامّه و الخضر (Elkhr). (تکیه‌ای، پیشین، ص ۸۶-۸۴).

غیر از احزاب قانونی، گروه‌ها و جمعیت‌های دیگری در مصر به صورت مخفی یا نیمه علنی فعالیت دارند که نقش بسیاری در مسایل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این کشور دارند. فهرستی از گروه‌ها و تشکل‌های اسلامی در مصر ارایه شد، اما باید نقش برجسته اخوان المسلمین را از سایر فعالان جدا نمود؛ همان‌گونه که باید به نقش حزب کار و سندیکاها هم توجه داشت.

هسته اولیه «حزب اخوان المسلمین» در ذی‌قعدۀ سال ۱۳۴۷ قمری پدید آمد و پس از آن شعباتی از این حزب در شهرهای مختلف مصر و حتی در سوریه، سودان و عراق تأسیس شد. این حزب با حکومت‌های خودکامه مبارزه می‌کرد و به دولت‌های مسلمان، نامه سرگشاده می‌نوشت و آنها را دعوت به پیروی از تعالیم اسلام می‌کرد. این حزب نشریاتی چون «مجله پیام رهبر» و «تهدید پندآمیز» داشت. کنفرانس‌ها و مجمع‌های اسلامی را در منازل، مساجد و محافل مذهبی ترتیب می‌داد. در جنگ فلسطین فعالانه شرکت نمود. دو مجله «الذیر» و «اخوان المسلمین» را هم نشر داد. تاریخ رشد این حزب مربوط به سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴ م. است. در سال ۱۹۴۲ م. که نحاس پاشا نخست وزیر وقت مصر انتخابات را آزاد اعلام کرد، «حسن البنا» رهبر و بنیان‌گذار اخوان المسلمین خود را کاندیدا کرد اما با فشار و تهدید حکومت، مجبور به کناره‌گیری شد. در این سال‌ها، حسن البنا در ارتش نفوذ نمود و برخی افسران جوان را به سوی خود جلب کرد. اما سرانجام با توطئه انگلستان و ملک فاروق، پادشاه مصر، حسن البنا در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۴۹ به شهادت رسید. با شهادت وی پاره‌ای از نظراتش به فراموشی سپرده شد. عملیات نظامی متوقف گردید و موضع‌گیری سیاسی - اجتماعی کاهش یافت. گسترش بی‌رویه و عدم دقت در کادرگیری، نفوذ مرتجعین و وابستگان به حکام و تسویه حساب‌های سیاسی منجر به مسکوت ماندن اندیشه‌های اسلامی حسن البنا گردید. (گلی‌زواره، ۱۳۸۰، ص ۳۵۰-۳۴۹ و مسلوت، ۱۴۱۵، ص ۱۱۸-۱۰۷).

اخوان المسلمین پس از گذر از دوره فعالیت زیرزمینی، به فعالیت علنی ولی غیرقانونی پرداخته است. برخی از اعضای اخوان المسلمین توانسته‌اند از طریق ائتلاف با احزاب دیگر یا به صورت مستقل به پارلمان راه یابند. در حاشیه حیات حزبی، سندیکاها صنفی نیز در صحنه اجتماعی مصر فعال می‌باشند. سندیکاها پزشکان، کارگران، مهندسان، دانشگاهیان، دندانپزشکان، داروسازان و... از آن جمله‌اند. از اواخر دهه هشتاد اخوان المسلمین تصمیم گرفت با شرکت در انتخابات سندیکاها نقش محوری در اداره آنها ایفا نماید. به این ترتیب توانست با سیطره بر اکثر سندیکاها آنها را به

صحنهٔ سیاسی وارد نماید. در مقابل، دولت که در نهایت نتوانست این وضعیت را تحمل کند با دخالت رسمی و آشکار، شوراهای قانونی و منتخب در سندیکاها را، که اکثراً از اعضای اخوان المسلمین بودند، بر کنار نمود. (تکیه‌ای، پیشین، ص ۸۷).

حزب اخوان المسلمین در زمان رهبری عمر تلمسانی (متوفی ۱۹۸۷ م) به تدریج تبدیل به گروهی وفادار به مشارکت غیرخسونت‌آمیز در فرایند سیاسی شد و بسیاری از اعضای رادیکال خود را از دست داد. پس از تلمسانی، رهبری اخوان المسلمین بر عهدهٔ «حامد ابو نصر» قرار گرفت و تا سال ۱۹۹۷ (زمان مرگش) ادامه داشت. با درگذشت حامد ابو نصر، رهبری این گروه به «مصطفی مشهور» رسید، که تا به امروز ادامه دارد. شعار معروف اخوان المسلمین، که بیان‌گر ایدئولوژی بنیادگرایانهٔ آن می‌باشد، عبارت است از:

«خدا غایت ما، پیامبر رهبر ما، قرآن قانون ما، جهاد روش ما و کشته شدن در راه خدا بزرگ‌ترین آرزوی ماست.» (حسینی و دیگران، پیشین، ص ۱۷۰-۱۶۹).

سخن از «اخوان المسلمین» نیاز به مقاله و کتاب جداگانه دارد؛ از این رو علاقه‌مندان را به مطالعه کتاب «اخوان المسلمین مصر» از سلسله کتاب‌های آشنایی با حرکت‌های اسلامی، شماره ۱۹ ارجاع می‌دهیم.

لازم به یادآوری است که در این مقاله مختصر نمی‌توان از شناسنامهٔ احزاب مهم، شکل فعالیت، ارگان رسمی حزب، مواضع، دیدگاه‌ها، سیاست‌ها و عملکردهای احزاب، جایگاه آنها در جامعه، اندیشه‌ها، آموزه‌ها و اعتقادات اساسی و... سخن گفت. خوانندگان گرامی برای اطلاعات بیشتر از پانزده حزب و جمعیت موجود در مصر، به کتاب «برآورد استراتژیک مصر»، صفحات ۲۴۳-۱۶۹ مراجعه کنند.

#### ۴- مصر و مجامع سازمان‌های بین‌المللی

سطح ارتباط هر کشور با مجامع و سازمان‌های بین‌المللی بیان‌گر میزان اهمیت آن در ساختار نظام جهانی و جایگاه بین‌المللی آن کشور است. در این جا به بیان وضعیت مصر در مقایسه با سازمان‌های مهم بین‌المللی می‌پردازیم:

##### الف) مصر و سازمان ملل متحد

مصر یکی از اعضای سازمان ملل متحد است که در اکتبر ۱۹۴۵ در اولین روزهای رسمیت یافتن این سازمان به عضویت آن در آمد و در فعالیت‌های آن و سازمان‌های تابعه آن همیشه به طور

چشم‌گیر مشارکت داشته است. هم‌چنین مصر در سازمان‌ها و کمیته‌های تخصصی و سیاسی سازمان ملل مانند آنکتاد، صندوق جمعیت ملل متحد، یونیسف، سازمان خوار و بار کشاورزی جهانی (فائو)، مؤسسه عمران بین‌المللی، سازمان جهانی بهداشت، سازمان بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول، سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و سازمان‌های بین‌المللی دیگر عضویت دارد و نیز از اعضای اصلی سازمان وحدت آفریقا است. مهم‌ترین فعالیتی که مقر سازمان ملل در نیویورک در سال ۱۹۹۰ شاهد آن بود برگزاری «کنفرانس کودک» بود که در آن رئیس‌جمهور مصر و رؤسای جمهور و نخست‌وزیران ۷۲ کشور شرکت کردند.

مصر از جمله کشورهایی است که خواستار افزایش تلاش‌های جامعه بین‌المللی جهت ایجاد جهانی عاری از خشونت و سلاح هسته‌ای است و جهت تحقق بخشیدن به این خواسته، رئیس‌جمهور مصر در آوریل سال ۱۹۹۰ طرحی را اعلام کرد که در بردارنده اقداماتی برای از بین بردن تمامی سلاح‌های کشتار جمعی (سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی) در خاورمیانه بود و اعلام کرده بود که کشورهای منطقه باید تعهد بدهند که این گونه تسلیحات را وارد نکرده و یا دیگران را به استفاده از آن تهدید نکنند. مصر خواستار پیوستن رژیم اشغالگر قدس به قرارداد منع گسترش سلاح هسته‌ای و پذیرفتن تضمین‌هایی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آن را وضع می‌کند. هم‌چنین این کشور خواستار انجام هرگونه اقدامی است که موجب کاهش میزان تشنج، توقف مسابقه تسلیحاتی در منطقه و ایجاد اطمینان میان کشورها خواهد شد.

#### ب) مصر و سازمان کنفرانس اسلامی

مصر در سازمان‌های متعددی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، کشورهای عضو D8، اتحادیه آفریقا، سازمان تجارت جهانی، جنبش عدم تعهد و... عضویت داشته و مرکز بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در این کشور قرار دارد.

از آن‌جا که مصر تمایل زیادی به تقویت رابطه با کشورهای اسلامی دارد، تلاش کرد تا میزبان نوزدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی باشد که این اجلاس از ۳۱ ژوئیه لغایت ۵ اوت ۱۹۹۰ با شعار صلح، تکامل و توسعه در این کشور برگزار شد. به دنبال آن مصر در جلسه دفتر هماهنگی وزرای خارجه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی و نیز در حاشیه جلسات چهل و پنجمین اجلاس مجمع عمومی در اوایل اکتبر ۱۹۹۰ در نیویورک شرکت کرد. پس از آن نیز مصر با تمامی قوا و به عنوان یک کشور قدرت‌مند عربی در تمامی اجلاس‌های OIC در سطوح مختلف، مشارکت داشته و نقش فعال و اساسی را در کنار

چند کشور مهم دیگر همانند جمهوری اسلامی ایران، اردن، عربستان، پاکستان، ترکیه و مالزی بازی می‌کند.

### ج) مصر و جنبش عدم تعهد

جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر به همراه مارشال تیتو رئیس جمهور یوگسلاوی، جواهر لعل نهرو نخست‌وزیر هند و سوکانو رئیس جمهور اندونزی از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد می‌باشند که اولین اجلاس سران آن در دسامبر ۱۹۶۱ با حضور رهبران ۲۵ کشور در بلگراد تشکیل شد.

مصر در آن زمان داعیه رهبری دنیای عرب و آفریقا را داشت و اندیشه جنبش عدم تعهد در حقیقت دستاویزی بود که ناصر می‌توانست به وسیله آن جای خالی‌ای که با خروج نیروهای امپریالیزم و استعمارگر در جهان عرب و آفریقا پدید آمده بود، پر کند.

اجلاس دوم سران این کشورها در اکتبر ۱۹۶۴ در قاهره تشکیل شد. در ششمین اجلاس سران در اکتبر ۱۹۷۹ در کوبا، اردن به عضویت این جنبش درآمد. هم‌چنین در سال ۱۹۹۴ اجلاس وزرای خارجه این جنبش در مصر برگزار گردید. این جنبش بزرگ‌ترین تشکل جهانی بعد از سازمان ملل با ۱۱۵ عضو می‌باشد و مصر به عنوان یک عنصر فعال و یک کشور قوی مشغول فعالیت در این جنبش و ارگان‌های ذیربط آن است. (تکیه‌ای، پیشین، ۹۷-۹۸).

علاوه بر آن چه که گفته شد، مصر از سپتامبر ۱۹۸۹ اقداماتی اساسی در ایجاد گروه ۱۵ انجام داده و نقش مهمی در اقدامات این گروه در توسعه جهانی داشته است. این کشور در پروژه‌هایی چون گاز و پتروشیمی، انرژی‌های قابل تجدید و پروژه‌های پزشکی و گیاهان معطر گروه ۱۵ به عنوان یک کشور مشوق اقدامات مشترک عمل کرده است.

شایان ذکر است ایران و مصر از اعضای فعال گروه ۸ می‌باشند که این نهاد شامل هشت کشور در حال توسعه اسلامی است. (فلاح‌زاده، پیشین، ص ۶۲).

### ۵- روابط مصر با جمهوری اسلامی ایران

#### الف) روابط سیاسی

پیشینه تاریخی ارتباطات سیاسی ایران و مصر به دوران قبل از اسلام باز می‌گردد و پس از ظهور اسلام وارد مرحله جدیدی گردیده و به ویژه در دوران حکومت فاطمی‌ها در مصر، شاهد شکوفایی فرهنگی مصر و ایران می‌باشیم. مصری‌ها بسیاری از آداب و رسوم خود را از ایرانی‌ها



گرفتند و تأثیر هنر ایرانی بر هنر مصری در زمینه‌های منبت‌کاری، کنده‌کاری و کاشی‌کاری کاملاً مشهود است.

روابط دو کشور در زمان معاصر، بیشتر به دوره پس از جنگ دوم جهانی، و سفر سید جمال‌الدین اسدآبادی به قاهره در سال ۱۸۷۹ معطوف است.

در تاریخ پنجم فروردین ۱۳۰۱ (۲۵ مارس ۱۹۲۲) نمایندگی ایران در مصر به سفارت تبدیل و میرزا فتح‌الله خان که قبلاً سرکنسول بود به عنوان اولین وزیر مختار ایران تعیین شد. با ازدواج ولیعهد وقت ایران (محمد رضا پهلوی) با فوزیه خواهر فاروق پادشاه مصر، روابط دو کشور گسترش یافت و در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی سفارت ایران در قاهره به سفارت کبری تبدیل شد و در همین زمان تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های مصر رواج یافت.

با فروپاشی نظام پادشاهی در مصر و به قدرت رسیدن افسران آزاد و برپایی نظام جمهوری در این کشور در سال ۱۹۵۲ و به خصوص در زمان جمال عبدالناصر و با توجه به اختلاف دیدگاه‌های دو نظام و قرار گرفتن دو کشور در اردوگاه‌های غرب و شرق، روابط دو کشور سیر نزولی به خود گرفت تا این که در تاریخ ۱۳۳۹/۵/۴ (۱۹۶۰ م) و در پی به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر فلسطین از سوی ایران، روابط دو کشور قطع شد.

پس از فوت جمال عبدالناصر و روی کار آمدن انور سادات و نزدیکی سیاست وی و شاه ایران در مورد غرب و آمریکا، روابط دو کشور در سال ۱۹۷۰ برقرار شد و توسعه یافت، به گونه‌ای که می‌توان روابط این دو در زمان شاه و سادات را «عصر طلایی» روابط دو کشور توصیف کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به خاطر امضای قرارداد کمپ دیوید توسط مصر، روابط دو کشور در سال ۱۹۷۹ به دستور امام خمینی قطع شد و در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۱۳ (۱۹۸۷/۵/۲) دولت مصر با وارد کردن اتهاماتی به ایران در زمینه دخالت در امور داخلی این کشور، دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران را تعطیل کرد.

لازم به یادآوری است که پس از امضای پیمان کمپ دیوید از سوی مصر، امام خمینی علیه السلام با انتشار بیانه‌ای به شدت آن را مورد انتقاد قرار داد. متن بیانه به شرح ذیل است:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

این‌جانب پیش از پانزده سال است که خطر اسرائیل غاصب را گوشزد کرده‌ام و به دول و ملل عرب این حقیقت را اعلام نموده‌ام. اکنون با طرح استعماری صلح مصر و اسرائیل این خطر بیشتر، نزدیک‌تر و جدی‌تر شده است. سادات با قبول این صلح وابستگی خود به دولت استعمارگر آمریکا را

آشکارتر نمود. از دوست شاه سابق ایران انتظاری بیش از این نمی‌توان داشت.

ایران خود را همگام با برادران مسلمان کشورهای عربی دانسته و خود را در تصمیم‌گیری‌های آنان سهیم می‌داند. ایران صلح سادات و اسرائیل را خیانت به اسلام و مسلمین و برادران عرب می‌داند و موضع سیاسی کشورهای مخالف این پیمان را تأیید می‌کند.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

«۱۳۵۸/۱/۵»

به دنبال این بیانیه، حضرت امام علیه السلام در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۱ دستور قطع رابطه دیپلماتیک با مصر را صادر فرمود. متن دستور به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

جناب آقای دکتر یزدی وزیر خارجه

با در نظر گرفتن پیمان خائنه مصر و اسرائیل و اطاعت بی‌چون و چرای دولت مصر از آمریکا و صهیونیست، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قطع رابطه دیپلماتیک خود را با دولت مصر بنماید.

روح الله الموسوی الخمينی

«۱۳۵۸/۲/۱۱»

به دنبال حمله عراق به ایران و به‌رغم این که سادات، در ابتدا صدام را آغازگر جنگ خوانده و موضعی منفی نسبت به وی در پیش گرفته بود، اما پس از کشته شدن وی، حسنی مبارک در جهت بهبود هر چه سریعتر روابط با عراق تلاش نمود و تا به آن جا پیش رفت که با تمام توان و حتی اعزام نیروی انسانی در کنار عراق ایستاد.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و حمله عراق به کویت و تحولات صحنه جهانی، به خصوص فروپاشی شوروی و با تغییر نقشه سیاسی منطقه، زمینه مناسبی برای نزدیکی روابط تهران - قاهره ایجاد شد و در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۸ (۱۹۹۱/۴/۲۷) بار دیگر دفاتر حفاظت منافع دو کشور گشوده شد که تاکنون نیز روابط در این سطح است و طرفین در صدد بهبود و ارتقای آن هستند.

البته دیدار مقامات دو کشور، به ویژه رؤسای جمهور دو کشور در حاشیه اجلاس IT در ژنو در سال ۲۰۰۳ و دیدارهای وزرای خارجه که در حاشیه برخی اجلاس‌های بین‌المللی و منطقه‌ای صورت

گرفت باعث تقویت مواضع مشترک گردید تا این همکاری‌ها زمینه‌ساز گسترش مناسبات دو جانبه نیز باشد.

مهم‌ترین حوزه‌های همکاری دو کشور طی سال‌های اخیر (۱۹۹۸-۲۰۰۴) در حوزه سیاسی عبارت است از: همکاری و در پیش گرفتن موضع مشترک درباره مسئله بوسنی، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، طرح پاکسازی منطقه خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی، حضور و همکاری در کمیته قدس و حقوق بشر و همکاری در قالب سازمان کنفرانس اسلامی. هم‌چنین در حوزه اقتصادی و فرهنگی، قراردادهای و توافق‌نامه‌هایی بین دو کشور به امضا رسیده که بیان‌گر گسترش روابط می‌باشد.

در چند ماه اخیر هم شاهد پیشرفت ارتباطات دو کشور هستیم. راه‌اندازی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مصر و شروع فعالیت آن، یکی از جلوه‌های مناسبات جدید به شمار می‌رود.

## ۲) روابط فرهنگی ایران و مصر

### الف) تاریخچه روابط

زبان فارسی از زمان‌های کهن در مصر مطرح بوده و ارتباط ملت‌های ایران و مصر هیچ‌گاه قطع نشده است. از آن‌جا که فرهنگ ایرانی و زبان فارسی رشته‌ای از زبان و فرهنگ بود که در آن زمان بین ملل شرق رایج بود، حتی پیش از یادگیری زبان فارسی در مصر و مسئله ایران‌شناسی، این رابطه فرهنگی برقرار بوده است. می‌دانیم که زبان عثمانی تا حدودی از زبان فارسی تأثیر پذیرفته و فرهنگ و ادبیات ایران تأثیر به‌سزایی در ادبیات عثمانی داشته و این تأثیرات طبعاً به کشورهایی که تحت سلطه عثمانیان بوده‌اند سرایت کرده است. زبان فارسی یکی از زبان‌های درسی در مصر بود و افزون بر تدریس این زبان، در نخستین چاپخانه مصری (بولاق Bolagh) که در آغاز قرن نوزدهم تأسیس شد، تعدادی از کتاب‌های فارسی به چاپ رسید. برای نمونه می‌توان از گلستان، بوستان، مثنوی مولانا و عطار نام برد.

پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی و تسلط انگلیس، بیشتر امرای خاندان سلطنتی مصر زبان فارسی می‌دانستند و نسخه‌های خطی فارسی را در کتابخانه‌های سلطنتی نگاه‌داری می‌کردند که این نسخه‌ها، پس از برچیده شدن بساط پادشاهی جزء کتابخانه‌های ملی شد. در سال ۱۹۲۸ کرسی زبان فارسی به طور رسمی در دانشگاه قاهره تأسیس شد و در بیشتر دانشگاه‌ها از جمله الازهر، عین الشمس، آسیوط، منوفیه، اسکندریه،... گسترش یافت و در حال حاضر بیش از یک‌صد استاد و پانصد دانشجو در مقاطع مختلف به آموختن زبان فارسی مشغول‌اند.

### ب) زمینه فعالیت‌های فرهنگی

در سال ۱۹۳۳ در دانشگاه قاهره که گهواره ادبیات فارسی در مصر به شمار می‌رود، دکتر عبدالوهاب عزام رساله دکترای خود را درباره نسخه عربی شاهنامه گذراند و این نخستین دکترای زبان فارسی در مصر بود. دکتر عزام بخش زبان‌های شرقی را تأسیس نمود که در آن زبان فارسی تدریس می‌شد. بعدها بخش زبان‌های شرقی (زبان فارسی) در دانشگاه‌های عین شمس و الازهر نیز تأسیس شد.

در مصر دست کم یکصد نفر دکترای زبان و ادبیات فارسی وجود دارد که در سمت‌های استاد، استادیار و دانشیار در همه زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ ایران کار کرده و می‌کنند. هم‌چنین پایان‌نامه‌هایی در رده‌های فوق لیسانس و دکترا در دانشگاه‌های این کشور موجود است که متأسفانه تاکنون منظم و چاپ نشده و در صورت چاپ آنها یک کتابخانه نفیس ایرانی در مصر تشکیل خواهد شد که در آن متون تاریخی و عرفانی ترجمه شده از ادبیات تطبیقی، ادبیات معاصر و کلاسیک و تقریباً همه رشته‌های ایران‌شناسی و فرهنگ ایران وجود خواهد داشت.

در الازهر، زبان فارسی به عنوان زبان دوم در بخش‌های فلسفه و تاریخ و عربی در دانشکده معماری اسلامی پذیرفته شده است. تعداد دانشجویان تخصصی زبان فارسی به ۵۰۰ نفر می‌رسد و کسانی که به عنوان زبان دوم، فارسی را یاد می‌گیرند چه در قاهره، چه در دانشکده آثار اسلامی و چه در دانشکده علوم، به هزاران نفر می‌رسد. در مصر دانشگاهی وجود ندارد که در آن زبان فارسی به نوعی مطرح نباشد. در تمامی دانشگاه‌های مصر از اسوان در جنوب تا اسکندریه در شمال، کرسی زبان فارسی وجود دارد. حتی چند سال قبل، از قول دکتر الدسوقی شتا (استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قاهره) پیشنهاد شد که زبان فارسی را به عنوان زبان دوم در دبیرستان‌ها تدریس کنند، اما به علت کمبود دبیر از این کار صرف‌نظر گردید.

در حال حاضر نیز به‌رغم عدم وجود رابطه سیاسی میان دو کشور، رابطه فرهنگی و هم‌چنین روابط بین‌المللی میان دو کشور در ارگان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل، کنفرانس اسلامی، بین‌المجالس اسلامی، جنبش عدم تعهد و... وجود دارد. (تکیه‌ای، پیشین، ص ۱۱۳-۱۱۱).

### ۶- تاریخچه زمینه‌های تشیع در مصر

از روزی که اسلام وارد مصر شد، تشیع نیز به مصر راه یافت و قبل از خلافت حضرت علی علیه السلام عده‌ای از یاران وی را مصریان تشکیل می‌دادند. حضرت علی علیه السلام قیس بن سعد و پس از او محمد بن ابی بکر را به اداره مصر گماشت که این دو صحابی از پایه‌ها و عوامل استقرار تشیع در مصر بودند.

چندی نگذشت که عمروعاص، مصر را پس از نبردی خونین فتح نمود و محمد بن ابی بکر را دستگیر کرده و پس از کشتن او جسدش را در میان الاغ مرده‌ای قرار داده و آتش زد. با روی کار آمدن مروان بن حکم، زبان شیعیان مصری بسته شد و طرفداران او در مصر به دشمنی با طرفداران علی علیه السلام و اهل بیت او پرداختند. در عهد متوکل عباسی، والی او در مصر به سال ۲۳۶ قمری تمام شیعیان را به دستور متوکل اخراج نمود و آنان را عراق فرستاد. مصر در سال ۲۵۴ قمری اولین سلسله مستقل حکام مسلمان را به خود دید که منسوب به غلامی به نام طولون بود. پسر وی احمد، حکومت طولونیان را در مصر بنیان نهاد. بعد از آن، سلسله‌ای ایرانی به نام آل افشید در مصر حاکم شدند و پس از آن حکومت مصر به دست فاطمیان افتاد.

در قرن سوم هجری با وقوع قیام‌هایی، شوری در شیعیان به وجود آمد. روی کار آمدن فاطمیان مصر، نور امیدی در دل پیروان اهل بیت علیهم السلام به وجود آورد. در زمان فاطمیان، مصر از اقیانوس اطلس تا دریای سرخ و شبه جزیره عربستان و شمال عراق گسترش یافته بود. این سلسله در نظر داشتند عباسیان را منقرض کنند اما وجود تفرقه و تشتت در دستگاه آنان اجازه چنین حرکتی را نداد. پیشرفت صلیبیون در متصرفات دولت فاطمی محدودیت ایجاد نمود. فاطمیان تشیع را علنی نمودند. در روز عاشورا مراسم حزن‌انگیز و در روز عید غدیر آیین‌های ویژه‌ای را برپا نمودند. در اواسط قرن ششم هجری این سلسله توسط ایوبیان منقرض شد. ایوبیان به ترویج مذاهب چهارگانه تسنن پرداخته و با تشیع به شدت مخالفت نمودند و روز عاشورا را عید مقرر کردند.

با وجود رفتار فجیع و توأم با قساوت ایوبیان، گرچه طرفداران شیعه در مصر کم شدند اما هنوز ارادتمندان زیادی به برپایی مراسم ویژه بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام و تعمیر و بازسازی مشاهدی که به شیعه منسوب است (مثل تعمیر و بازسازی مشهد رأس الحسین علیه السلام در قاهره) مشغول‌اند. ضمن این‌که مرقد سیده زینب دختر یحیی بن زید بن علی بن حسین علیهم السلام در مصر می‌باشد که مورد توجه علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم السلام است. (گلی زواره، پیشین، ص ۳۴۶-۳۴۵).

## ۷- تقریب مذاهب اسلامی در مصر

نفوذ فرهنگی، علمی و دینی مصر در سایر کشورها، به ویژه کشورهای آفریقایی، جایگاهی بلند برای مصر فراهم آورده است که هرگونه تصمیم‌گیری در امور کلی مسلمانان، با استقبال مناسبی روبه‌رو می‌شود. مصر علاوه بر سابقه طولانی تمدن، دارای اندیشمندان زیادی در علوم به ویژه علوم اسلامی است و از همین رو، نقش سازنده و کلیدی در جهان اسلام دارد. وجود دانشگاه الازهر و

عالمان مذاهب اسلامی در آن، خود به خود پیوندی میان مذاهب اسلامی ایجاد کرده و زمینه مساعدی برای تقریب مذاهب به شمار می‌رود.

طرح تقریب مذاهب با هدف همکاری مشترک عالمان مسلمان جهت تبیین درست اندیشه‌های مذهبی و زدودن سوء تفاهمات موجود بین فرقه‌های اسلامی و تأکید بر اصول دینی و پرهیز از تکفیر و تفسیق مسلمانان و موضع‌گیری هماهنگ در برابر دشمن مشترک مسلمین با پاسخ مناسب و مساعد علمای مصر روبه‌رو شده است.

تأسیس دار التقریب مذاهب اسلامی در زمان مرجعیت حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله با حضور و حمایت اندیشمندانی مانند علامه محمدتقی قمی، علامه سید شرف الدین، شیخ شلتوت (مفتی الازهر) و شیخ سلیم بشری، گامی بسیار کلیدی و مؤثر برای تبادل آرا و اندیشه‌ها بین عالمان دینی و نزدیکی مذاهب به ویژه تشیع و تسنن بوده است.

نقطه آغازین این حرکت دینی و اصلاحی، با درایت آیت‌الله العظمی بروجردی، از مجامع علمی سرچشمه گرفت و با بسیج امکانات و فرصت‌های نهفته در مرکز علمی «الازهر»، این هدف شکوفا شد. اعزام علامه شیخ محمدتقی قمی به عنوان نماینده مرجع تقلید شیعیان به مصر و ارسال پیام شفاهی به شیخ مجید سلیم که مقام شیخ الازهر را در آن زمان داشت، و پیام متقابل شیخ سلیم به آیت‌الله بروجردی، باب مکاتبات و مراودات تقریبی را بین حوزه علمیه قم و مصر باز کرد. طولی نکشید که یکی از علمای مصر به نام شیخ حسن باقوری که استاد دانشگاه الازهر و وزیر اوقاف مصر بود به ایران مسافرت و با آیت‌الله العظمی بروجردی ملاقات کرد. متعاقب آن، کتاب «مختصر النافع» علامه حلی و تفسیر «مجمع البیان» امین الاسلام طبرسی (به عنوان دو نمونه از کتاب‌های فقهی و تفسیری شیعه اثنا عشری) در مصر به زیور طبع آراسته شد و مورد بهره‌برداری اساتید و دانشمندان این کشور قرار گرفت. به دنبال این تماس‌ها دانشگاه الازهر برای اولین بار در تاریخ پیدایش خود، در روز عاشورا مجلس با شکوهی برای عزای امام حسین علیه‌السلام برپا کرد.

پس از درگذشت شیخ مجید سلیم، شیخ محمد شلتوت ریاست دانشگاه الازهر را به عهده گرفت. وی که از افراد علاقه‌مند به اتحاد امت اسلام و دارای دیدی عمیق و ژرف در مسایل تقریبی بود ارتباط نزدیکی با آیت‌الله بروجردی برقرار کرد و طی نامه‌ای ایشان را برادر معظم خود خواند. این ارتباطات و تأسیس دار التقریب آثار مهمی را بر جای گذاشت.

اولین اثربخشی دار التقریب، اجازه تدریس فقه مذاهب اسلامی (شیعه و سنی) در دانشگاه الازهر بود. این موضوع در ماده سوم اساسنامه دار التقریب به این صورت آورده شد: «تدریس فقه مذاهب اسلامی در دانشگاه‌های اسلامی همه نقاط تا جایی که به دانشگاه‌های اسلامی عمومی تبدیل شوند، صورت خواهد گرفت».

گرچه پیشنهاد تدریس مذهب جعفری در الازهر (به صورت رسمی) عملی نشد ولی با یک واقعه مهم دیگر مقارن گردید و آن فتوای شیخ شلتوت مبنی بر جایز بودن پیروی از فقه شیعه بود. به این صورت بزرگ‌ترین مرجع رسمی اهل سنت و بالاترین قدرت علمی مصر با کمال صراحت فتوا داد که پیروان مذهب شیعه اثناعشریه - به رغم تبلیغات سوء - با دیگر مذاهب اسلامی معروف، از نظر برخورداری از امتیازات اسلام برابر هستند و به همهٔ مسلمین اهل سنت و جماعت اجازه داده می‌شود که در صورت تمایل از فتاوی علمای شیعه جعفری پیروی کنند. (ر.ک: پاک آیین، ۱۳۷۷، ص ۱۴۶-۱۴۷).

از دیگر آثار برقراری ارتباطات میان عالمان تشیع و تسنن، انجام گفت‌وگوهای علمی و به دور از تکفیر و تفسیق و اتهام بوده است. از این نمونه، می‌توان به مشروح مذاکرات و مکاتبات علمی بین عالم بزرگ شیعی سید عبدالحسین شرف الدین موسوی از پرچم‌داران تقریب در جبل عامل لبنان و شیخ سلیم بشری رئیس (وقت) الازهر اشاره کرد. این مجموعه تحت عنوان «المراجعات» نشر یافت و نقش مهمی در اطلاع‌رسانی، تبیین عقاید و زدودن سوء تفاهات اهل سنت نسبت به شیعه داشته است؛ به گونه‌ای که شیخ سلیم بشری در آخرین مراجعه (مکاتبه) اعلام کرده است که فرقی بین سنی و شیعه وجود ندارد و اختلافات موجود میان شیعه و سنی کمتر از اختلافات موجود میان امامان مذاهب چهارگانه (معروف اهل سنت) است.

ناگفته نماند که دانشگاه الازهر در مصر تا قبل از حکومت انور سادات از پیش‌کسوتان دعوت به تقریب مذاهب بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برافراشته شدن پرچم اتحاد از سوی حضرت امام خمینی علیه السلام مردم مصر با شوق و حرارت زیادی، پیام وحدت را تبریک گفتند، اما دستگاه‌های تبلیغاتی غرب و شبکه بین‌المللی گروه‌های تکفیری، به ویژه فرقه وهابیت، با انتشار کتاب‌ها و نشریات فراوان سعی در مشکوک جلوه دادن چهرهٔ تشیع در جوامع سنی مذهب نمودند. بر اساس این، کتاب‌هایی که در آن شیعه ملامت شده بود و یا کتاب‌هایی که اهل سنت را مورد تهاجم قرار داده بودند، از مخازن بیرون کشیده و دوباره مطرح شدند. اختلافات و تکفیر و تفسیق به صورت گسترده با حمایت استکبار جهانی و استعمار پیر انگلیس و صهیونیسم بین‌المللی در کشورهای عربی رواج بیشتری پیدا کرد.

علاوه بر آن، بهره‌برداری از انتشارات «الصحوة» برای نشر کتاب‌های ضد تشیع در مصر آغاز شد. این شرکت انتشاراتی، در کمتر از چهار سال (یعنی طی سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶م) بیش از یک‌صد کتاب منتشر کرد. تمامی هزینه‌های مادی انتشار این کتاب‌ها از طرف رهبریت فرقه وهابیه تأمین می‌شد. علاوه بر اینها، صدها جلد کتاب و جزوه و نشریه هجوم بی‌وقفه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران و تشیع آغاز نموده و به پخش اتهامات و شبهات پرداختند. اگر چه این تهاجم، مذهب

تشیع را مورد انتقاد قرار داد، اما از جنبه‌هایی نیز برای تبلیغ اندیشه تقریبی‌ها مفید بود؛ زیرا مردم مصر به شناخت موارد اختلاف شیعه و سنی علاقه‌مند شدند و با ظهور متفکران معاصر و آزاداندیش در مصر موضع طرفداران تقریب بین مذاهب تقویت شد. برای مثال، مرحوم علامه شیخ محمد غزالی که عالمی با مقبولیت همگانی در بین تمامی اقشار مصر بود، همواره اختلاف میان امت اسلامی را نکوهش نموده و از اندیشه تقریب طرفداری می‌کرد.

شایسته به نظر می‌رسد که زمینه‌های مناسب و عوامل تقریب مذاهب و تفاهم و دوستی بین شیعه و سنی در طرحی جداگانه به صورت گسترده تحلیل و بررسی شود.

و در این جا تنها به ذکر برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

۱- آشنایی مردم فهیم مصر و عالمان دینی نسبت به هم‌زیستی تاریخی شیعه و سنی در مصر و پیشینه حکومت فاطمیان که با برجای گذاشتن برخی از آثار علمی - فرهنگی، بعضی از آداب و رسوم شیعه را در میان مصریان نهادینه کرد.

۲- وجود مشاهد، بارگاه‌ها، اماکن زیارتی و قبور تعدادی از منسوبان به اهل بیت علیهم‌السلام نظیر مالک اشتر، سیده زینب، سیده نفیسه و رأس الحسین باعث شده مردم این کشور بیش از مردم سایر کشورهای اسلامی (سنی نشین) نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام محبت و ارادت ورزند و همانند شیعیان به صورت ویژه برای آنان احترام قائل باشند.

۳- تأثیرگذاری الازهر به عنوان یک مرکز علمی - معنوی بزرگ که در ابتدای انتشار مذهب شیعه در مصر تأسیس شده و اهداف تقریبی را دنبال کرده است.<sup>۱</sup>

۴- وجود طریقت‌های مختلف صوفیه علاقه‌مند به اهل بیت علیهم‌السلام و نیز گروه‌هایی از شیعیان امامیه (جعافره)، اسماعیلیه (بهره) و زیدیه زمینه‌های تفاهم و دوستی را فراهم کرده است. (ر.ک: فلاح‌زاده، پیشین، ص ۹۳-۹۲ و پاک آیین، پیشین، ص ۱۴۹-۱۴۸).

لازم به یادآوری است که در مصر نزدیک به ۸۰ فرقه صوفیه وجود دارد. در میان آنها، برخی فعال و ملتزم به سلوک اسلامی‌اند؛ مانند فرقه «العزمیه» که السید محمد ماضی ابی‌العزائم، بیش از یک‌صد سال قبل آن را بنیان نهاد. این فرقه مجله‌ای با عنوان «الاسلام الوطنی» منتشر می‌کند. اندیشه‌های خاص رهبران این فرقه، مخالفت شدید آنان با وهابیت به دلیل محبت ویژه به

۱- چنان که پیش از این بیان شد، اساتید و رؤسای الازهر در نیم قرن اخیر تلاش گسترده‌ای برای تقریب مذاهب انجام داده‌اند. یکی از کارهای ماندگار آنان، انتشار یک دائرة المعارف فقهی در دوران جمال عبدالناصر، با عنوان «فقه اسلامی در مذاهب هشتگانه» بوده است. در این دائرة المعارف فقهی، آرای مذاهب هشتگانه اسلامی: حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، امامیه اثنا عشری، زیدی، اباضی و ظاهری آمده است.



اهل بیت علیهم السلام اندیشه شدید ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی، داشتن تحلیل تاریخی درباره علت عقب ماندگی مسلمانان، پرهیز از انحرافات موجود در میان طریقت های مختلف صوفیه، از ویژگی های این فرقه به شمار می رود.

از دیگر فرقه های متصوفه مخالف وهابیت، «العشیره الحمیدیه» است که مجله ای با عنوان «المسلم» منتشر می کند و سر دبیر آن محمد زکی ابراهیم است. فرقه های صوفیه همکاری های علمی خوبی با علمای اهل تسنن داشته و از همین طریق به تقریب مذاهب اسلامی کمک می کنند و از سویی علاقه مردم مصر به اهل بیت علیهم السلام آنان را در کنار یکدیگر قرار داده و مانع رشد تعالیم تفرقه گرایانه وهابیت شده است. (ر.ک: <http://www.hawzah.com>).

کثرت صوفیه و خانقاه های آنان به حدی است که پژوهش های علمی زیادی درباره صدها متصوف و خانقاهی که در مصر وجود داشته و دارند، به عمل آمده است. به عنوان نمونه، می توان به تألیف دکتر عاصم محمد رزق با عنوان «خانقاوات الصوفیه فی مصر» (در دو جلد، مکتبه مدبولی، قاهره) نام برد.

## ۸- گزارشی از آداب و رسوم ماه رمضان در مصر

همان گونه که اشاره شد، سرزمین مصر در بردارنده اهرام مصر و آداب و رسوم ویژه فراغنه بوده است و با ورود اسلام تبدیل به کشوری اسلامی شده که سعی و تلاش می کند احکام دینی در آنجا حاکم گردد. در این جا شایسته است نگاهی اجمالی به آداب و رسوم ماه مبارک رمضان در این کشور بنماییم که از سوی پایگاه خبری تقریب در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۲۶ با کد خیر ۱۳۹۳۲۸۵ T/V نشر یافته است:

کسی که قاهره را ندیده باشد، عظمت اسلام را درک نکرده است. قاهره کلان شهر جهان است، باغ دنیا، خانه نوع بشر، رواق اسلام و تخت پادشاهی و این، شهری است مزین به کاخ ها و قصرها، آذین شده با خانقاه های درویشان و مدارس و منور با ماه و ستارگان فرهیختگی و دانش. این گفته ابن خلدون که در عصر مملوکیان بیان شده ده ها بار بازگو شده است.

به گزارش پایگاه خبری تقریب، در این ماه همه مردم مصر اعم از مسلمان و غیر مسلمان جشن می گیرند. در قاهره گروه های مختلف مصری، عرب و غیر عرب جشن های مختص خود را دارند؛ زیرا هر کدام به گونه ای خاص این ماه را می شناسند و هر کدام به اندازه خود قدر و منزلت آن را می دانند. این جشن ها حالت پیچیده و مرکب جشن هایی است که از دوره فرعونیان و قبطانین و اسلامیان باقی مانده است. در این جشن ها هم رگه هایی از ابتکارات فاطمیان و میراث ممالک مختلف از جمله

عثمانی‌ها وجود دارد و هم مراسم دیگر اقوام در آنها هویدا است. وقتی به نشانه‌های جشن‌ها رجوع می‌کنیم، پیچیدگی، تنوع و اختلاف این جشن‌ها را می‌یابیم.

قاهره در ماه رمضان به دو شهر تبدیل می‌شود؛ ۱- شهری آرام و ساکت و بدون کوچک‌ترین شلوغی و ازدحام، از صبح زود تا ساعت ۲ بعد از ظهر؛ ۲- شهری پر از شلوغی و هیاهو، از ساعت ۲ بعد از ظهر تا زمان افطار و اذان مغرب و گاهی اوقات تا نیمه شب.

با این حال، تا اذان مغرب آشفتگی فقط در خیابان‌های اصلی وجود دارد و بعضی از مردم در خیابان‌ها با خرما و آب افطاری می‌کنند، تا جایی که در دست همه رانندگان و مردم خرما دیده می‌شود. بعضی از رانندگان توقف می‌کنند و در خوردن عجله نمی‌نمایند و برخی دیگر با سرعت و با عجله رانندگی می‌کنند و همین ممکن است برخوردهایی را به وجود آورد. در این میان اگر کسی از روزه‌داران صدمه ببیند، منتظر نمی‌ماند تا افسر راهنمایی و رانندگی علت را جویا شود، بلکه هر کس سعی می‌کند افطار را در کنار خانواده‌اش باشد و این‌گونه، مشکلات میان شخص آسیب دیده و راننده از بین می‌رود و همه به سوی اتومبیل‌های خود باز می‌گردند.

ازدحام در پایتخت علت‌های بسیاری دارد؛ یکی از آنها مراسم رمضانیه است. ازدحام در ماه مبارک رمضان در قاهره در مکان‌های معروف و خیابان‌های مخصوص که مأمور و نیروی پلیس حضور ندارد، بیش از بقیه جاهاست. مناطق تجاری متمرکز در خیابان‌های وسط شهر قاهره که در ساعات افطار تعطیل است و کارگران که در این ساعات برای پیوستن به خانواده‌های خود عجله دارند، بر این شلوغی و ازدحام می‌افزاید.

علت دیگر این ازدحام، راه‌ها و خیابان‌های آن است که به شکل ماری از شرق تا جنوب کشیده شده است و نقشه آنها به دوره عباسیان باز می‌گردد. طولانی‌ترین خیابان قاهره، کورنیش است که به ورودی راه صحرایی بین قاهره و اسکندریه منتهی می‌شود.

با این اوضاع و احوال و ساختار و نقشه شهر، مسئولان انتظار دارند اوضاع خوب باشد ولی کاهش ازدحام در شهری که تعداد سکنه آن به پانزده میلیون نفر می‌رسد، امکان پذیر نخواهد بود. مسلمانان مصر مانند دیگر مسلمانان جهان عید سعید فطر را گرامی می‌دارند. آنها یک هفته قبل از فرا رسیدن عید فطر به استقبال این روز می‌روند و مراسم خاصی را که میراث گذشتگان است و با گذشت زمان آن را حفظ کرده‌اند، برگزار می‌کنند.

یک هفته قبل از شروع عید سعید فطر خیابان‌ها و کوچه‌های این کشور رنگ و بوی خاص عید را به خود می‌گیرند و بازارهای مختلف از ازدحام و شلوغی خاص عید برخوردار می‌شوند.

([http://www.taghribnews.ir/tmain\\_fa.aspx?lng=fa&mode=art&artid=15369](http://www.taghribnews.ir/tmain_fa.aspx?lng=fa&mode=art&artid=15369))

## ۹- معرفی برخی از مراکز اسلامی، فرهنگی و آموزشی مصر

الف) سایت‌های مهم علمی و اسلامی

ردیف	نام مرکز	آدرس سایت
۱	دانشگاه الازهر	<a href="http://www.alazhar.org">http://www.alazhar.org</a>
۲	دانشگاه‌های مصر	<a href="http://www.frcu.eun.eg/">http://www.frcu.eun.eg/</a>
۳	دانشگاه قاهره	<a href="http://www.cairo.eun.eg/">http://www.cairo.eun.eg/</a>
۴	دانشگاه اسیوط	<a href="http://acc.aun.eun.eg/">http://acc.aun.eun.eg/</a>
۵	دانشگاه عین الشمس	<a href="http://net.shams.edu.eg/">http://net.shams.edu.eg/</a>
۶	دانشگاه المنصوره	<a href="http://www.mans.eun.eg/">http://www.mans.eun.eg/</a>
۷	دانشگاه حلوان	<a href="http://www.helwan.edu.eg/">http://www.helwan.edu.eg/</a>
۸	دانشگاه آمریکا در قاهره	<a href="http://www.aucegypt.edu/">http://www.aucegypt.edu/</a>
۹	دانشگاه فرانسه در مصر	<a href="http://www.universite-fe.edu.eg/">http://www.universite-fe.edu.eg/</a>
۱۰	دانشکده علوم و تکنولوژی حمل و نقل دریایی	<a href="http://www.aast.edu/">http://www.aast.edu/</a>
۱۱	دانشگاه جنوب الوادی	<a href="http://www.svu.edu.eg/">http://www.svu.edu.eg/</a>
۱۲	دانشگاه زقازیق	<a href="http://www.zu.edu.eg/">http://www.zu.edu.eg/</a>
۱۳	دانشگاه مینیا	<a href="http://www.minia.edu.eg/">http://www.minia.edu.eg/</a>
۱۴	دانشگاه طنطا	<a href="http://www.tanta.edu.eg/">http://www.tanta.edu.eg/</a>
۱۵	دانشگاه اسکندریه	<a href="http://www.alex.edu.eg/">http://www.alex.edu.eg/</a>
۱۶	موزه آثار اسلامی	<a href="http://www.icm.gav.eg/">http://www.icm.gav.eg/</a>
۱۷	آثار اسلامی قاهره	<a href="http://www.cim.gav.eg/">http://www.cim.gav.eg/</a>

## ب) مراکز آموزشی، پژوهشی و فرهنگی

در این جا به برخی از مراکز مهم فرهنگی، آموزشی و پژوهشی مصر اشاره می‌شود:

### ۱- الجمعية المصرية لتعريب العلوم

کشور: مصر، ماهیت: آموزشی، فرهنگی؛ دورنگار: ۶۳۷۷۴۴۶؛ سایت: [www.taareeb.org](http://www.taareeb.org)؛

ایمیل: [mhamalwy@hotmail.com](mailto:mhamalwy@hotmail.com)؛ نشانی: قاهره، الجمعية المصرية لتعريب العلوم.

معرفی: هدف اصلی این مرکز، معادل‌سازی عربی برای واژگان بیگانه به کار رفته در علوم مختلف و حذف این واژه‌ها از زبان و فرهنگ عربی است. برای تحقق این اهداف، این مرکز اقدام به برگزاری همایش‌های سالانه و انتشار محصولات آنها با موضوع تعریب کرده است. تاکنون ده‌ها همایش به همت این مرکز برگزار شده است.

کتاب: رساله التعریر؛ نشریه: نشریه التعریر؛ کنفرانس: کنفرانس دوازدهم با عنوان تعریر العلوم و التعلیم. (شناسه ۲، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴).

## ۲- الجمعية المصرية للدراسات النفسية

کشور: مصر؛ ماهیت: پژوهشی؛ وابستگی: دولتی؛ مسئول: دکتر آمال احمد مختار صادق؛  
سال تأسیس: ۱۹۴۸ م؛ تلفن: ۰۸۷-۴۵۵۸۰۸۶-۴۵۵۸۰۸۶-۲۵۷۸۶۵۸۰۸۶؛  
دورنگار: ۰۶۰۴۵۶-۲۸۴۷۸۲۴-۲۵۸۱۲۴۳؛

سایت: [www.eapsegypt.tripod.com](http://www.eapsegypt.tripod.com)؛ ایمیل: [eapsegypt@hotmail.com](mailto:eapsegypt@hotmail.com)؛

نشانی: مصر، قاهره، کد پستی ۱۱۷۵۷، قسم علم النفس التربوی، کلیة التربية جامعة عين شمس.  
معرفی: از فعالیت‌های این مرکز، برگزاری همایش‌های علمی و انتشار کتاب و نشریه با موضوع روان‌شناسی است.

ساختار: این جمعیت دارای هیئت مؤسس و مجلس اداری تحت یک ریاست کل می‌باشد.  
کتاب: علم النفس التعلیمی، الذكاء و مقایسه، علم النفس قديماً و حديثاً، کتاب النوی فی علم النفس.

نشریه: اخبار علم نفس.

پژوهش‌های در دست انجام: مطالعات تطبیقی و علمی و هماهنگی با مراکز فعال و موازی با این جمعیت. (پیشین، ص ۱۷۵).

## ۳- المركز المصري للدراسات الاقتصادية

کشور: مصر؛ ماهیت: پژوهشی؛ وابستگی: خصوصی؛ مسئول: دکتر احمد جلال؛  
تلفن: ۰۳۷-۴۶۱-۹۰۳۷؛ دورنگار: ۰۴۵-۴۶۱-۹۰۳۷؛

سایت: [www.eces.rog.eg](http://www.eces.rog.eg)؛ ایمیل: [eces@eces.org.eg](mailto:eces@eces.org.eg)؛

نشانی:

The Egyptian center for Economic Studies, World Trade Center, Floor 14, 1191  
Corniche El-Nil, Cairo 11221, Egypt

معرفی: این مرکز پژوهش‌هایی در زمینه توسعه اقتصادی در کشور مصر و منطقه خاورمیانه انجام می‌دهد و نیز همایش و سخنرانی‌های علمی - تخصصی‌ای درباره اقتصاد برگزار می‌کند.  
ساختار: این مرکز، دارای مدیریت‌های مختلف اداری، چاپ و نشر، مالی و فناوری اطلاعات و تحقیقات است که زیر نظر مدیر اجرایی آن فعالیت می‌کنند.

کتاب: اقتصاد اسلامی در مصر

- Islamic Finance in Egypt Experience
- Financial Development in Emerging Markets: The Egyptian
- Prudential Regulation in Egypt

مقاله: هزینه‌های گزاف، درآمد کم؛ صرفه‌جویی و خصوصی‌سازی؛ بهبود عملکرد اقتصادی مصر؛ تأثیر اقتصادی توریسم بر مصر.  
پژوهش‌های در دست انجام؛ ورشکستگی، پیوند گم شده؛ انشعاب میان CPI و WPI. (پیشین، ص ۳۵۸).

#### ۴- مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی المستقبل

کشور: مصر؛ ماهیت: فرهنگی؛ وابستگی: خصوصی؛ مسئول: منتصر الزیات؛ تلفن: ۳۹۵۸۲۶۲؛  
سایت: www.future-center.net, www.moragaat.com  
ایمیل: moragaat@moragaat.com, info@moragaat.com  
نشانی: ۲۶ شارع عدلی، القاهرة، الدور العاشر.

معرفی: اطلاع‌رسانی دربارهٔ مسایل جاری جهان، مانند آینده جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی و آینده حرکت‌ها و نهضت‌های اسلامی، از طریق انتشار کتاب و نشریه و نیز پایه‌گذاری تمدن عربی - اسلامی و بازنگری در مفاهیمی نظیر دولت، امت، احیای دین و مذهب، از فعالیت‌های این مرکز به شمار می‌آید. هم‌چنین کنفرانس‌های متعددی در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی توسط این مرکز برگزار شده است.

ساختار: دارای هیئت مدیره و مدیر کل می‌باشد.

مقاله: الحركة الإسلامية بین فقه الهزيمة و أسباب النصر، الجماعات الإسلامية و العمل السياسي... حدود التحول.  
نشریه: مجلة مراجعات. (پیشین، ص ۳۹۴).

#### منابع و مأخذ

- ۱- ابراهیم محمد و دیگران، جمعیت اخوان المسلمین مصر، ترجمه و تألیف: کارشناسان مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۲- المسلوت، صالح حسن، موقف التيار الاسلامی فی مصر من القضية الفلسطينية، دار النشر للجامعات المصرية، مكتبة الوفاء، قاهره، چاپ اول، ۱۴۱۵.

- ۳- پاک آیین، محسن، سیاست و حکومت در آفریقا، نشر نقطه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۴- تکیه‌ای، مهدی، مصر، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۵- شناسه ۲، معرفی مراکز اسلامی خارج از کشور، معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۶- عاصم محمد رزق، *خاتقاوات الصوفیة فی مصر*، مکتبه مدبولی، قاهره، چاپ اول، ۱۴۱۷.
- ۷- فلاح‌زاده، محمدهادی، *جمهوری عربی مصر*، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۸- گلی‌زواره، غلامرضا، *شناخت کشورهای اسلامی*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۹- مختار حسینی و دیگران، *برآورد استراتژیک مصر*، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۸۱.

10- <http://www.hawzah.com>

11- <http://www.taghribnew.ir>

